خبر

«ماشین‌ها»، «زن شگفت‌انگیز» و «همه نگاه‌ها به من» سه اثر پرفروش هالیوود

بخش فرهنگی- در حالی که اخیرا بیشتر دنباله‌های سینمایی در گیشه سینمای آمریکا با شکست روبه‌رو شده‌اند، قسمت سوم انیمیشن «ماشین‌ها» از کمپانی دیزنی پرفروش‌ترین اثر سینمای آمریکا شد.

به گزارش خبرآنلاین، در هفته‌ای که دیزنی باز هم موفقیت دیگری را جشن گرفت، ستاره دیگری در گیشه با استقبال بسیار سرد مخاطبان روبه‌رو شد. فیلم «شب سخت» با بازی اسکارلت جوهانسون علیرغم اکران گسترده در نزدیک به چهار هزار سالن سینما تنها ۸ میلیون و ۱۰۰ هزار دلار فروش داشت تا مشخص شود که شکست فیلم‌ها با ستاره‌های بزرگ امر دور از انتظاری نیست.

کیت مک‌کینون، جیلیان بل، ایلنا گلیزر و زویی کراویتز دیگر بازیگران این کمدی سینمایی هستند که داستان تعطیلات آخرهفته پرماجرای چند دوست را روایت می‌کند.

انیمیشن «ماشین‌ها، قسمت ۳» در سه روز نخست اکران در بیش از چهار هزار سالن سینما بیش از ۵۳ میلیون و ۵۰۰ هزار دلار بلیت فروخت و پرفروش‌ترین اثر هفته گذشته سینمای آمریکا لقب گرفت.

با در نظر گرفتن فروش ۲۱ میلیون و ۳۰۰ هزار دلار فیلم خارج از آمریکای شمالی، انیمیشن «ماشین‌ها» تا کنون در سراسر جهان به فروشی برابر با ۷۴ میلیون و ۸۰۰ هزار دلار دست پیدا کرده است. قسمت سوم انیمیشن «ماشین‌ها» شانزدهمین اثر استودیو پیکسار است که در افتتاحیه پرفروش‌ترین فیلم سینمای آمریکا می‌شود.

دیزنی قسمت اول انیمیشن «ماشین‌ها» را سال ۲۰۰۶ به سینما عرضه کرد و قسمت دوم آن سال ۲۰۱۱ اکران شد. در مجموع بیش از یک میلیارد دلار از بلیت‌های این دو فیلم در گیشه فروخته شد. البته همانند بسیاری دیگر از آثار انیمیشنی، کمپانی دیزنی بیشتر از فروش اسباب‌بازی‌ها و وسایل مرتبط با این آثار سود کسب کرده است.

در قسمت سوم انیمیشن «ماشین‌ها»، لایتنیگ مک‌کویین شخصیت اصلی داستان با صداپیشگی اوون ویلسون با تهدیدی تازه روبه‌رو می‌شود. نسل جدیدی از خودروهای سوپراسپرت از راه رسیده‌اند و او را از ورزشی که عاشقانه دوست دارد دور کرده‌اند. او برای بازگشت به مسابقات از تکنسینی کمک می‌گیرد که صداپیشگی‌اش را کریستلا آلونزا برعهده دارد.

در این میان فیلم «زن شگفت‌انگیز» همچنان به درخشش در گیشه ادامه داد و در سومین هفته اکران با فروش ۴۰ میلیون و ۸۰۰ هزار دلاری شگفتی همه را برانگیخت. این فیلم ابرقهرمانی که نقش اصلی و کارگردان آن زن هستند، تنها در آمریکا تا کنون بیش از ۲۷۴ میلیون دلار بلیت فروخته است. این میزان فروش در سومین هفته اکران در تاریخ فیلم‌های ابرقهرمانی بی‌نظیر است.

«زن شگفت‌انگیز» به کارگردانی پتی جنکینز در سایر نقاط دنیا ۳۹ میلیون دیگر فروخت. فروش این فیلم تا کنون در سراسر جهان بیش از ۵۷۱ میلیون دلار بوده است.

به نظر می‌رسد که «زن شگفت‌انگیز» به زودی رکورد پرفروش‌ترین فیلم تاریخ سینما با یک کارگردان زن را خواهد شکست. در حال حاضر فیلم «ماما میا» به کارگردانی فیلیدا لوید با فروش ۶۰۹ میلیون دلاری در سراسر جهان این عنوان را در اختیار دارد.

یکی از فیلم‌های پرسروصدای هفته گذشته زندگینامه خواننده سرشناس رپ توپاک شکور بود. این فیلم با عنوان «همه نگاه‌ها به من» سومین اثر پرفروش هفته گذشته پس از «ماشین‌ها ۳» و «زن شگفت‌انگیز» بود. این فیلم به کارگردانی بنی بوم در بیش از دو هزار سینما بیش از ۲۷ میلیون دلار فروش داشت.

«همه نگاه‌ها به من» در چهل‌وششمین سالروز تولد توپاک شکور اکران شد. نام این فیلم الهام‌گرفته از چهارمین آلبوم موسیقی توپاک است. در این فیلم زندگینامه‌ای دمتریوس شیپ جونیور در نقش توپاک شکور و کت گراهام در نقش جیدا پینکت اسمیت ظاهر شده‌اند. جیدا پینکت اسمیت همسر ویل اسمیت که رابطه بسیار نزدیکی با توپاک داشت با انتقاد از فیلم اشتباهات موجود در آن را «به شدت دردناک» خواند. همانطور که انتظار می‌رفت بیشتر تماشاگران فیلم (بیش از ۵۲ درصد) آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار بودند.

در این میان فیلم پرهزینه «مومیایی» با بازی تام کروز در دومین هفته اکران و علیرغم اکران گسترده در بیش از چهار هزار سالن سینما تنها ۱۳ میلیون و ۹۰۰ هزار دلار فروخت. این فیلم در ۱۰ روز نخست اکران در آمریکا به فروشی برابر با ۵۶ میلیون و ۶۰۰ هزار دلار دست یافته است.

استقبال ناامیدکننده تماشاگران از فیلم جدید تام کروز در آمریکا نگاه تهیه‌کنندگان را به بازارهای خارجی معطوف کرده است. «مومیایی» هفته گذشته در ۶۸ کشور اکران شد و ۵۳ میلیون دلار بلیت فروخت. فروش جهانی این فیلم ۲۹۵ میلیون دلار است که ۲۳۹ میلیون دلار آن خارج از آمریکا رقم خورده است.

گفت و گو با سیدضیاء قاسمی، شاعر افغان:

کسی سراغ ادبیات خود افغانستان را نمی گیرد

مجتبا پورمحسن

در این سال ها آنقدر ما از افغانستان خبرهای جنگ و خود افغان ها از دیارشان صدای بمب و خمپاره شنیده اند که شاید بعضی ها فکر نکنند که افغانستان، ادبیات پویایی دارد. بخش مهمی از ادبیات افغانستان در ادبیات سرزمینی زبان فارسی تعریف می شود. در طول سه دهه اخیر که همسایه شرقی ما درگیر خون و خمپاره بوده، در بین خیل مهاجران افغان، شاعران خوبی هم بوده اند که به ما نشان داده اند افغانستان مردمانی دارد با قلب هایی به وسعت صلح و شعر و عشق. نکته ای که شاید جالب توجه برسد این است که در شعر شاعران افغانستان، بیش از آن که صدای تیر به گوش برسد و آثار ترکش ها را ببینیم، از آزادی و صلح و عشق می شنویم و زیبایی ها را با چشمانی زیباتر می بینیم. درباره سمت و سوی ادبی و سیاسی شاعران مهاجر افغان در ایران، بحث هایی وجود دارد. اینکه چرا اکثر این شاعران به جریان رسمی ادبی ایران متصل شدند، در حالی که شعرشان لزوماً در بندهای ادبیات رسمی و غیرمستقل ایران محصور نیست. البته درباره داستان نویسان افغان، اوضاع متفاوت است و آن ها به ادبیات مستقل ایران بیشتر نزدیکی پیدا کردند. این نکات و سوالاتی دیگر را با سیدضیاء قاسمی، شاعر افغان در مصاحبه ای در میان گذاشتم که ماحصل آن را در ادامه می خوانید. سیدضیا قاسمی، یکی از این شاعران است که به ایران آمد در اینجا تحصیل کرد و حالا مدتی است همراه خانواده اش در سوئد زندگی می کند. «درختان تبعیدی: گزیده ی غزل امروز افغانستان» مشترکا با علی محمد مودب و «گزیده ادب معاصر» و مجموعه شعر «باغ های معلق انگور» از جمله آثار سیدضیاء قاسمی است.

◆ آقای قاسمی، شعر شاعران افغانستان امروز چقدر به آنچه در افغانستان می گذرد نسبت دارد؟ و اصلاً آیا قائل به این اندازه نزدیکی بین شعر و وقایع سرزمینی هستید؟

جامعه افغانستان سال‌ها است که یک جامعه پر اتفاق و پر حادثه است. جنگ دیرساله و تروریسم سیر و سلوک جامعه را از وضعیت عادی بیرون کرده است. در چنین وضعیتی طبیعی است که ژانر شعر اجتماعی در کار شاعران معاصر افغانستان بسیار پرحجم باشد. تقریبا اکثر سروده‌های شاعران افغانستان مستقیم و غیرمستقیم با حوادث سرزمین‌شان نسبت دارند. این مسئله‌ای است که برای آن نمی‌شود چارچوب و میزان و اندازه تعیین کرد و به آن قائل بود یا نبود. وقتی انسان افغانستانی اعم از شاعر و غیرشاعر همیشه نسبت به وقایع وطنش دغدغه و نگرانی و دلهره دارد، طبیعتا فضای وسیعی از خودآگاه و ناخودآگاه ذهنش به آن اختصاص پیدا می‌کند و همیشه با آن درگیر و مشغول است. این درگیری ذهنی در آثار شاعر افغانستانی بروز می‌کند و گزیری از آن هم نیست. من سال‌ها است که هر روز وقتی صبح از خواب بیدار می‌شوم دیدن اخبار جزو اولین کارهایم است که ببینم به قول ما امروز چه گپ است و چه حادثه‌ای اتفاق افتاده؟ بسیاری وقت‌ها می‌شود که در جریان حوادث این مراجعه به خبرها با نگرانی به هر ساعت می‌رسد. در چنین وضعیتی نمی‌توان بازتاب وقایع سرزمینی را در شعرهای من و امثال من مشاهده نکرد یا برای آن اندازه تعیین کرد.

◆ اکثر شاعران افغان وقتی به ایران آمدند – به خصوص نسل اول – بیشتر با ادبیات رسمی و شاعران رسمی ایران هم داستان شدند و کمتر به شاعران مستقل و غیررسمی نزدیک شدند در حالی که استعداد بالایی داشتند و شعرشان هم سرشار از آزادگی بود. دلیلش را چه می‌دانید؟

من چند دلیل را می‌توانم برای شما عنوان کنم. از یک منظر برای شاعران ما نفس ارتباط و آشنایی با دیگر پیکره شعر و ادبیات فارسی یعنی ایران مهم بود. ما نه به آن صورت در جریان این خط‌کشی‌ها بودیم و نه برای ما مهم بود. اگر در مواردی هم متوجه آن می‌شدیم از دید ما این قضیه یک مسئله داخلی دوستان ایرانی بود که به ما ارتباطی نداشت. این دلیل را بگذارید در کنار دلیل دوم که زمینه‌سازهای این آشنایی بودند. ماها از طریق رسانه‌هایی مثل صدا و سیما و مطبوعات رسمی و ارگان‌هایی که در این زمینه‌ها فعال بودند اولین آشنایی‌هامان را با شعر ایران به دست آوردیم و این‌گونه شد که به آن بخش از شعر ایران زودتر وصل شدیم. دلیل دیگر نزدیکی فضای ادبی آن جریان با فضای ذهنی و ادبی ما بود. در آن سال‌ها ایران درگیر جنگ بود و روی‌کرد غالب آن جریان شعر جنگ و دفاع مقدس بود. مردم ما هم در افغانستان درگیر جنگ با شوروی وقت بودند که از دید ما آن هم دفاع مقدس بود. پس در نتیجه آن فضا ماها را جذب می‌کرد و با آن بیشتر احساس هم‌ذات پنداری داشتیم. دلیل دیگر دو سویه بودن این رابطه بود. جریانی که حالا شما آن را به ادبیات رسمی موسوم می‌دانید هم از آن طرف به دنبال برقراری رابطه با ادبیات مهاجرت برآمد و از آن استقبال کرد و آن را پذیرفت. ما را به مجالس و محافلش دعوت کرد و آثار ما را منتشر کرد. جریان غیررسمی و دگراندیش عملا توجهی به ادبیات مهاجرت نداشت و آن‌ها هم هیچ گامی در جهت ایجاد رابطه و آشنایی برنداشتند. شاید اولین رابطه بین این جریان و ادبیات مهاجرت سال‌ها بعد و در آشنایی نسبتا تصادفی آصف سلطان‌زاده با زنده‌یاد هوشنگ گلشیری انجام گرفت و بعدها تا حدی گسترش یافت.

◆ فکر نمی کنید شاید اگر شاعران افغانستان با جریان غیررسمی زودتر پیوند می خوردند، مسیر دیگری را در پیش می گرفتند؟ اصلا چقدر شعر شاعران ایرانی را بر شعر شاعران مهاجر تاثیرگذار می دانید؟

در بعضی جنبه ها احتمالش هست. مثلا این که ممکن بود قالب سپید زودتر در شعر مهاجرت مورد استقبال قرار می گرفت یا این که از طریق شعر ترجمه زودتر و جدی تر با شعر جهان آشنا می شدند. این تأثیرات می توانست در حیطه چگونه سرودن و تجربه فضاها و تکنیک های متفاوت تر خودش را نشان بدهد. در کلیت امر که باید بپذیریم شعر ایران بر شعر مهاجرت بسیار تأثیرگذار بود. تقریبا تمام شاعران مهاجر در محیط مهاجرت به شعر روی آورده بودند و اولین گام های ادبی شان را در ایران برداشته بودند. بنابر این در آغاز الگوهاشان شعر ایران بود و تجربه اندوزی هاشان از راه شناخت و درک شعر ایران.

◆ امروز وقتی از شاعران افغانستان حرف می زنیم نگاه مان به چهارگوشه دنیا معطوف می شود، در حالی که هنوز اکثر قریب به اتفاق شاعران افغانستان از زبان مادر خود خارج نشده اند. همین قدر جهانشمولی چرا کمتر در مورد شاعران افغان داخل افغانستان اتفاق می افتد؟

من خیلی دقیق متوجه منظورتان از این سؤال نمی‌شوم. اگر منظورتان مقایسه شاعران مقیم داخل افغانستان با شاعران خارج از افغانستان است و این‌که شاعران داخل بومی‌تر می‌سرایند و شاعران مهاجر با زبانی جهان‌شمول‌تر، یک مقداری این به دلیل آموزه‌های محیطی و ارتباط با جغرافیای زیستی طبیعی است. اما یک مقداری. من خودم زیاد فاصله‌ای بین این دو جریان نمی‌بینم. شاعران داخل افغانستان به خصوص جوان‌ترها مطالعه و شناخت نسبتا خوبی از شعر جهان دارند و سعی کرده‌اند از این تجربه‌ها استفاده کنند. مثلا در شعرهای مجیب مهرداد که یکی از شاعران خوب امروز کابل است به خوبی می‌شود تلاش‌های او را برای استفاده از این تجربه‌ها به عنوان یکی از نمونه‌های این نسل دید.

◆ منظورم این است که شعر شاعران افغان هم خیلی بیشتر از شعر شاعران ایرانی به زبان های دیگر ترجمه نشده، این را متوجه کلیت زبان فارسی می دانید؟

بله به آن صورت و به نحو مؤثر ترجمه نشده. نه از شاعران مقیم داخل افغانستان و نه از شاعران خارج نشین. مقداری البته ترجمه شده که بیشتر کارهای پروژه ای بوده و به انجام و نتیجه ای نرسیده. در حوزه ادبیات داستانی افغانستان هم همین مشکل هست. مقداری اش را می توان به مهجوریت زبان فارسی در پهنه جهان مرتبط دانست که هنوز این زبان به مخاطبان و علاقمندان ادبیات در دنیا معرفی نشده است. در همین سوئد که من زندگی می کنم رمان هایی که نویسندگان غربی با موضوع افغانستان نوشته یا می نویسند بسیار مورد استقبال قرار می گیرد و پرفروش می شود اما کسی سراغ ادبیات خود افغانستان را نمی گیرد. دلایل دیگری هم هست که پرداختن به همه شان مجال مفصل تری می طلبد.

◆ فکر می کنم نسل جدید دوران صلح در افغانستان را به یاد نیاورد. این مسیری که پیموده شد تا افغانستان به اینجا رسید را در شعر افغانستان آیا می توان سراغ گرفت؟

من خودم از همین نسلم. من سه ساله بودم که جنگ در افغانستان شروع شد. اولین خاطرات و تصاویری که از زندگی‌ام به یادم مانده مربوط به جنگ است. در شعرهای من آوارگی را به عنوان یک موتیو تقریبا همیشه ثابت می‌توان مشاهده کرد. حتی در عاشقانه‌هایم. آوارگی‌ای که یکی از تبعات جنگ است. اوضاع کارهای بقیه هم همین‌طور است. رنگ شعر افغانستان رنگ اندوه است و فضا فضای جنگ و آوارگی و ناامنی. بسیاری از اهالی ادبیات در ایران با کارهای دوست شاعر من الیاس علوی به خوبی آشنا هستند. شما در شعرهای الیاس چه چیزی غیر از اندوه جنگ و غربت پیدا می‌کنید؟ در غزل‌های ابراهیم امینی در غزل‌های رضا محمدی در شعرهای محمدکاظم کاظمی و در شعرهای مجیب مهرداد، وحید بکتاش و مصطفی هزاره، در کارهای همه این فضای جنگ و تبعات آن به صورت پیدا و پنهان رنگ غالب یا به جرأت می‌توانم بگویم رنگ مطلق است.

◆ آقای قاسمی، همه افغان ها آرزوی آرامش دارند. افغانستان کی و توسط چه کسانی روی آرامش خواهد دید؟

من یکی با اوضاعی که می‌بینم از این‌که در عمر خودم روزی این آرامش را ببینم که آرزویم هست، پاک ناامید هستم. دیگران را دل‌شان. معادله افغانستان به دلیل عوامل متعدد داخلی و خارجی روزبه‌روز پیچیده‌تر می‌شود. تضادهای قومی و زبانی آن‌جا شدید است و اراده‌ای برای حل آن دیده نمی‌شود. قدرت‌مندان دوام بساط قدرت و منافع‌شان را در حل ناشدن و تشدید این اختلافات می‌بینند و آن را مدام عمیق‌تر می‌کنند. جامعه جهانی هر عضوش و هم‌سایگان هر کدام‌شان به دنبال تأمین منافع خود هستند و با یارگیری از میان همین قدرت‌مندان بازی‌های خودشان را پیش می‌برند.

اما خُب، با این وجود برای برقراری صلح و آرامش در کشورم دعا می‌کنم. برای مردم خودم که بسیار رنج و سختی دیده‌اند و بیش‌تر از این دیگر در توان‌شان نیست.

◆ به تضادهای زبانی اشاره کردید. هنر و ادبیات کمترین نقشی نمی تواند در کاهش تضادهای زبانی داشته باشد؟

در چنان وضعیتی تا به حال نتوانسته نقش مثبتی داشته باشد و حتی در مواردی متأسفانه خود تشدید کننده بوده است. ادبیات و هنر یک ظرف است، یک قالب. تعیین کننده فکر و اندیشه ای است که در آن ریخته می شود. در یک جامعه ای که دچار التهاب قومی و زبانی است، فکرها و اندیشه ها هم از این التهاب نمی توانند برحذر بمانند و آنچه که از ادبیات و هنر خلق می شود هم محاکات همین اندیشه های ملتهب است. در واقع همه می دانند و در خلوت خودشان قبول دارند که این امر خوب نیست و نتیجه خوبی ندارد. اما گاهی فضا چنان ملتهب است که هیچ کاری نمی شود کرد و تو را هم درگیر می کند. مثل این که ناخواسته میان یک مبارزه گلادیاتوری افتاده باشی که اگر به آن اعتقاد هم نداشته باشی مجبوری بزنی چون آنجا اگر بایستی تو را می زنند و نیست می شوی.

برای رهایی از این وضعیت در جامعه تغییرات بنیادی لازم است. در ایجاد گفتمانی مبتنی بر این تغییرات شاعران، نویسندگان، فرهنگیان و روشنفکرانی که در خارج از افغانستان هستند می توانند نقش مؤثری داشته باشند و به دور از آن التهابات کاذب یک فضای سالم را ترویج کنند اما تا حالا از ما هم به آن صورت آبی گرم نشده است.

خبر

بارگذاری غیرقانونی «شهرزاد ۲» در روز اول توزیع

بخش فرهنگی- تهیه‌کننده سریال «شهرزاد ۲» درباره بارگذاری غیرقانونی این سریال در سایت یوتیوب توضیحاتی ارایه کرد.

به گزارش مهر، دیروز اولین قسمت از سریال «شهرزاد۲» ساخته حسن فتحی عرضه شد و مخاطبان توانستند آن را خریداری کنند. از سوی دیگر اما این سریال از طریق سایت یوتیوب نیز به صورت غیرقانونی بارگذاری و تا بعدازظهر امروز(دوشنبه) بیش از ۲۰ هزار بار دیده شد.

طی تماسی که با سیدمحمد امامی تهیه کننده و سرمایه گذار این سریال داشتیم درباره این مساله پرسیدیم و متوجه شدیم که سریال از ۸ صبح دیروز دوشنبه ۲۹ خرداد در بازار توزیع شده است.

محمد امامی تهیه کننده سریال «شهرزاد» درباره توزیع و عرضه قسمت اول این سریال که امروز به بازار آمد و از طریق سایت یوتیوب عرضه شده است، به خبرنگار مهر گفت: ما تمام تمهیدات لازم را برای اینکه دانلود و بارگذاری غیرقانونی سریال انجام نشود، ترتیب دادیم. با این حال باز هم نمی توان از همه موارد غیرقانونی ممانعت کرد و در همه دنیا هم نمی توان ۱۰۰ درصد جلوی چنین اتفاقاتی را گرفت.

وی درباره اینکه چگونه قرار است از دانلود غیرمجاز سریال جلوگیری شود، اظهار کرد: ما حتی مجوز اف بی آی وارنینگ «FBI WARNING» را هم گرفته ایم که در ایران فقط فیلم «فروشنده» آن را داشت. حتی در دنیا که از این امکان بهره می برند بیشتر به سمت سیستم های فرهنگی پیش رفته اند تا سیستم های پلیسی و امنیتی و برای مردم فرهنگسازی می شود که این کالا هم مثل کالاهای تجاری دیگر خریداری شود.

امامی در پایان درباره تمهید دیگری که اندیشیده شده است، اظهار کرد: ما توافقی با سایت یوتیوب داریم که براین اساس وقتی به آنها گزارش شود سریال را برمی دارند و در این باره هم هر بار که این اقدام صورت بگیرد ما با مسئولان یوتیوب صحبت می کنیم تا سریال را از روی سایت بردارند.

علی نصیریان، ابوالفضل پورعرب، شهاب حسینی، ترانه علیدوستی، مصطفی زمانی و پریناز ایزدیار از بازیگران فصل اول «شهرزاد» بودند که سال گذشته در شبکه نمایش خانگی عرضه شد و مخاطبان بسیاری پیدا کرد.

هنرمندی که در ۱۰۰ سالگی شوالیه شد

بخش فرهنگی- الیویا دی هاویلند بازیگر برنده جایزه اسکار در ۱۰۰ سالگی لقب افتخاری شوالیه گرفت.

به گزارش خبرآنلاین، اولیویا دی هاویلند یکی از آخرین بازمانده‌های دوران طلایی سینمای هالیوود است. او در طول شش دهه فعالیت سینمایی در ۴۹ فیلم نقش‌آفرینی کرد و دو بار برنده جایزه اسکار شد. بازیگر «برباد رفته» دو هفته پیش از جشن تولد ۱۰۱ سالگی برای خدمت به هنر نمایش لقب افتخاری شوالیه گرفت تا پیرترین زن دریافت کننده این نشان افتخاری شود.

او در توکیو به دنیا آمد و پدر و مادرش اهل بریتانیا بودند. دی هاویلند خیلی زود در سال ۱۹۳۹ و برای بازی در فیلم «برباد رفته» به شهرت رسید. او هنگام بازی در این فیلم ۲۳ سال داشت و برای بازی در نقش ملانی همیلتون نامزد جایزه اسکار شد.

این بازیگر پس از «بر باد رفته» همچنان به درخشش در سینمای کلاسیک ادامه داد و برای بازی در فیلم «هر کس سوی خودش» و «وارث» دو بار برنده جایزه اسکار شد. از دیگر آثار سینمایی او می‌توان به «ماجراهای رابین‌هود»، «جلوی سحر را بگیرید» و «از خودگذشتگی» اشاره کرد.

اولیویا دی هاویلند در حال حاضر ساکن پاریس است.

فراخوان هفتمین دوره جایزه ادبی هفت اقلیم منتشر شد

بخش فرهنگی- فراخوان هفتمین دوره جایزه ادبی هفت اقلیم توسط موسسه فرهنگی هنری هفت اقلیم منتشر شد. به گزارش ایلنا، فراخوان هفتمین دوره جایزه ادبی هفت اقلیم توسط موسسه فرهنگی هنری هفت اقلیم منتشر شده است.

طبق این فراخوان نویسندگان و ناشران جهت شرکت در این دوره از جایزه مذکور، تا ۲۵ تیر فرصت دارند ۳ نسخه از کتاب‌های منتشر شده (شامل مجموعه داستان و رمان) خود در سال ۱۳۹۵ را به دبیرخانه جایزه ادبی هفت اقلیم ارسال کنند.

دبیرخانه این جایزه در تهران، خیابان شریعتی، بالاتر از خیابان ملک، بعد از خیابان کشواد، پلاک ۵۶۹ واقع شده است.جایزه کتاب سال هفت اقلیم هر سال به کتاب‌های مجموعه داستان و رمان ایرانی اعطا می‌شود.